

الگوی ارتقا همگرایی اقوام ایرانی به جهت امنیت عمومی در عصر جهانی شدن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)

فرزانه دشتی^۱ - دکتر محمد رحیم عیوضی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۹

چکیده:

تقویت وحدت و انسجام ملی، یکی از اهداف و مقولات اساسی هر حکومتی است. امروزه جهانی شدن با جریان آزاد اطلاعات و گسترش روزافزون فن‌آوری‌ها، ارتباطات و تغییر در تعاملات و مناسبات از سطح خرد تا کلان، چالش‌ها و فرصت‌هایی را در مقابل جامعه جهانی ایجاد نموده است. تکثرگرایی به عنوان محور اصلی درک و تحلیل آمیختگی ناشی از جهانی شدن شناخته شده و سرنوشت مختوم آن است. در حوزه قومیت‌ها، همچون سایر حوزه‌ها، روند جهانی شدن می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر جای بگذارد و در هر حال موجبات تغییر را فراهم نموده است و آنچه مهم به نظر می‌رسد، بازاندیشی و بازنگری در سیاست‌گذاری در قبال قومیت‌ها را الزامی ساخته است. با توجه به اهمیت موضوع، بیانات مقام معظم رهبری بهترین راهنما در این خصوص خواهد بود. پژوهش حاضر، کوششی در جهت ترسیم الگوی مطلوب همگرایی در ایران با تاکید بر فرمایشات رهبری با محوریت اقوام می‌باشد. بنابراین، مقاله حاضر در پی پاسخگویی مناسب برای این دغدغه، فرض اساسی خود را بر این مبنا استوار ساخته که الگوی تکثرگرایی بر پایه هویت ایرانی-اسلامی، مناسب‌ترین و کاربردی‌ترین مدل برای ارتقا سطح همگرایی اقوام ایرانی در شرایط کنونی به شمار می‌آید که هم بیانگر تنوع و هم بیانگر وحدت با توجه به شرایط کشور ایران است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، قومیت، کثرت‌گرایی قومی، همگرایی ملی، امنیت

^۱ - دانشجوی دکتری، دانشگاه پیام نور، آبادان، ایران

farzanehdashti30@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

eivazi.daneshjo@yahoo.com

مقدمه:

جهانی شدن و پیامدهای گسترده آن در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جذاب‌ترین موضوع مورد بحث در محافل دانشگاهی و مهمترین مسئله و چالش در حوزه فرهنگ سیاسی کشورها در سطح جهان است.

امروزه جهانی شدن، همه کشورها را در همه عالم فرا گرفته است. موضوع توسعه سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیک و فناورانه و فرهنگی قرن بیست و یکم، به هیچ گروه، ملت یا دولتی محدود نمی‌شود، بلکه موضوعی است که همگان به آن مرتبط و از آن متأثرند. نکته با اهمیت این است که در عصر جهانی شدن، چگونگی، سطح، کمیت، کیفیت و حتی ماهیت تعاملات و ارتباطات انسانی به کلی متحول و دگرگون شده است و به گونه‌ای که با گذشته قابل قیاس نیست. از یک سو، امر ارتباطات و تعاملات جوامع انسانی را تسهیل می‌کند و از سویی دیگر بر پیچیدگی آن می‌افزاید.

فرآیند جهانی شدن، اهمیت مرزها و حوزه دولت - ملت‌ها را با چالش روبرو ساخته و پیوندهای بین دولت و شهروندان را تضعیف کرده و به طوری که تمامی دولت‌های ملی را بر آن داشته تا در جهت حفظ تمامیت خود در قالب دولت-ملت برآیند. لذا در راستا شکل و نوع تأثیرگذاری از فرآیند جهانی شدن، به موقعیت جهانی کشورها، نحوه سیاست گذاری داخلی و مدیریت سیاسی آن کشورها بستگی دارد و اینکه توان بازسازی و باز تولید خود را داشته باشند. در شرایط کنونی به واسطه بهره‌گیری و استفاده از ابزارها و فن‌آوری‌ها و سازوکارهای جهانی شدن، حتی دورترین نقاط و کم جمعیت‌ترین قومیت‌ها با حوزه تأثیرگذاری محدود، امروزه می‌توانند در فضای جهانی شده کنونی، اثرگذار باشند. این فرصت ممکن است برای دولت ملی‌ها چندان خوشایند نباشد، لیکن این مسئله از واقعیت‌های جهانی کنونی است که دولت‌ها را متأثر ساخته و ناگزیر به پذیرفتن این واقعیت هستند.

کشور ایران نیز به عنوان کشوری کثیرالقوم و با سابقه تمدنی بی‌نظیر، همواره در گستره فرهنگی خود با تعدد خرده فرهنگ‌های مختلف مواجه بوده است و از این قاعده مستثنی نبوده است. این اقوام در طول تاریخ و با سابقه حیات طولانی و بلند مدت خود در شکوفایی

تمدن ایرانی همواره به شکلی محسوس سهیم بوده‌اند و ایران را فارغ از چنین تکثری نمی‌توان تبیین نمود.

در دنیای امروزی، وجود تنوعات و تفاوت اجتماعی در کشور، لزوم مدیریت سیاسی کارآمد، عقلانی و منطقی را به سبب حفظ و ارتقا همبستگی و انسجام ملی ایجاب می‌نماید. مسئله وحدت و انسجام ملی یک موضوع مهم و اساسی است. زیرا تقویت آن موجب ارتقا جایگاه ایران در معادلات سیاسی، امنیتی منطقه و به تبع آن در تحولات جهانی منجر خواهد شد. نظر به اهمیت موضوع در امنیت عمومی کشور، رهبر معظم انقلاب همواره فرمایشات و بیانات ارزشمندی در این خصوص داشته‌اند. لذا لحاظ نمودن این رهنمودها در چگونگی اعمال سیاست قومی بسیار راهگشا است و می‌تواند به عنوان راهنما و ابزاری مهم در اختیار نهادهای تصمیم‌گیری در کشور قرار گیرد. بنابراین در این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع خواهیم بود که در عصر جهانی شدن فرهنگ، الگوی مطلوب در جهت ارتقاء و هم‌افزایی همگرایی اقوام ایرانی کدام است؟

فرض اساسی این پژوهش با توجه به فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری، بر این مبنا استوار است که الگوی تکثرگرایی بر پایه هویت ایرانی - اسلامی به عنوان یکی از مولفه‌های مهم توسعه متوازن و فراگیر، مناسب‌ترین مدل برای ارتقا همگرایی اقوام در ایران به شمار می‌آید. زیرا این الگو تلفیقی در عین وحدت، کثرت و تنوع فرهنگی و قومی ایران را مدنظر دارد و توان هم‌راستا کردن مولفه‌های بنیادین شکل‌دهنده توسعه پایدار و جامعه مدنی را داراست و همچنین می‌تواند به خوبی مسائل قومی ایران را تحلیل و تبیین نماید.

یافته‌های تحقیق

تکثرگرایی فرهنگی در عصر جهانی شدن

بار دیگر فرهنگ در سال‌های اخیر مورد توجه جامعه شناسان و نظریه پردازان علوم اجتماعی قرار گرفته است. سیالیت فرهنگ و نیز تحولات جدید در نگرش به آن، کم‌به‌جای نگاهی ایستا، آن را پدیده‌ای متغیر و پویا تعریف می‌کند، ارائه تعریفی جامع و متقن از فرهنگ را با مشکل روبرو می‌سازد. به طور کلی، فرهنگ را می‌توان سطحی از زندگی دانست که در آن انسان‌ها به کمک راه و رسم‌های بازنمایی نمادین به ساختن معنا می‌پردازند. فرهنگ

راه‌ها و روش‌هایی است که در آنها، مردم به طور جمعی و فردی، از طریق ارتباط با یکدیگر به زندگی خود معنا می‌بخشند. (پهلوان، ۱۳۸۰: ۳۵)

عرصه فرهنگی جهان کنونی عرصه‌ای پلورالیستی است، زیرا در آن، تعاریف تمدنی، قاره‌ای، منطقه‌ای و گوناگون دیگری مبتنی بر وضعیت جهانی- بشری و همچنین انواع متنوعی از هویت‌هایی که بدون رجوع به وضعیت جهانی ساخته می‌شوند، وجود دارد، اما این تکثر تمام عیار، ناگزیر متکی به اصل کلی ارزش گوناگونی فرهنگی و فی نفسه واجد خیر بودن این گوناگونی برای نظام و واحدهای آن است؛ همانگونه که مستلزم عناصری از یک فرهنگ مشترک است که برحسب آن، واحدهای بسیاری می‌توانند با یکدیگر ارتباطاتی داشته باشند. (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۱۵۳)

اهمیت فرهنگ در تحولات اخیر به حدی است که برخی اندیشمندان از ظهور قاره ششم سخن می‌گویند. بسیاری نیز قرن بیست و یکم را قرن فرهنگ و پارادایم‌های فرهنگی می‌نامند. در نتیجه جهانی شدن، روابط اجتماعی در سراسر جهان تشدید و جوامع دور از هم به یکدیگر نزدیک می‌شوند، حوادث مرکز و تحولات محلی به نحوی دیالکتیکی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و در نتیجه برقراری پیوندها و ارتباطات متقابل میان جوامع افزایش می‌یابند، از این رو فرهنگ از بسیاری جهات مستقیم‌ترین، بدیهی‌ترین و قابل‌رویت‌ترین عنصری است که از طریق آن، این پیوندها در زندگی روزمره تجربه می‌شود. در حقیقت صرف نظر از اینکه جهانی شدن از چه طریق حاصل می‌شود، می‌تواند نتیجه‌ای از تفاهم و درک متقابل و نیرویی فرهنگی در تحولات اخیر باشد. (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۲۰)

به نظر محمد علی اسلامی ندوشن، با توجه به برخورد میان فرهنگ‌های ملی و فرهنگ جهانی، نسل‌های آینده، نسل‌هایی هستند که پدرشان فرهنگ جهانی و مادرشان فرهنگ بومی خواهد بود. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۹: ۸۶) کثرت‌گرایی فرهنگی در عرصه جهانی، در واقع، دارای دو خصلت وحدت و تنوع است که تنها در نگرشی چند بعدی قابل دیدن است. (پهلوان، ۱۳۸۰: ۵۴۰)

بنابراین جهانی شدن در حیطه فرهنگ را می‌توان مانند سکه دورویی دانست که اگر چه یک روی آن تأکید بر عناصر فرهنگی مشترک بشری تحت عنوان مذهب، انسانیت و بشریت

است اما روی دیگر آن، ناهمگنی، تنوع، کثرت‌گرایی و به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی در جهان است. فرهنگ جهانی را نمی‌شود بر پایه نژاد، زبان یا سرزمین تعریف کرد. نظریه‌های امپریالیسم فرهنگی، آمریکایی سازی جهان یا نظریه فرهنگ مصرفی توده برای فهم و توضیح فرهنگ جهانی نارسا است. این نوع نگرش‌ها مدعی‌اند فرهنگ جهانی تنها با اتکای به اقتصاد غرب و تسلط سیاسی آن عمل می‌کند به همین دلیل نمی‌تواند ابزارهای لازم را برای تحلیل درست فرهنگ جهانی فراهم آورد. (پهلوان، ۱۳۸۰: ۴۰۴)

جهان‌گرایی معاصر، نمونه‌های قدیمی وحدت جهان را بر اساس گسترش یک ناحیه مرکزی رد می‌کند و تنوع فرهنگی و برابری فضایی را به مثابه خصوصیات پیشنهادی جهانی محترم می‌شمارد. (پتمن، ۱۳۸۰) جهانی شدن نه آرمان شهر است نه فاجعه، دوران جدیدی است با ویژگی‌ها و چالش‌های خاص خود که پاسخ بشر را می‌طلبند. در عرصه فرهنگ، طرح مدرنیته و روایت‌های غربی مورد چالش قرار گرفته و هنجارهای فرهنگ غیر غربی، صدای رساتری پیدا کرده‌اند. (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۲)

نشانه‌های این فضای فرهنگی جدید در عرصه جهانی را می‌توان در تلاش‌های استقلال‌خواهی و تمایز‌گرایی در سراسر جهان مشاهده کرد. واکنش مردم فرانسوی زبان کبک کانادا در ممنوع کردن علامات و تابلوهای عبور و مرور خیابان‌ها به زبان انگلیسی، ترویج اندیشه ملی‌گرایی فرهنگی و تلاش جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی برای حفظ هویت فرهنگی و زبان، جنبش دانشجویی چین برای احیای دموکراسی و گشودن درهای بسته این کشور به دنیای خارج، تجدید حیات تفکر دینی و اسلامی در دو دهه اخیر در میان ملیت‌های مختلف، تجدید حیات دوره زبان کاتالونی که به مدت ۵۰ سال ممنوع شده بود، ایجاد محدودیت‌هایی برای تدریس زبان انگلیسی در کشورهای نظیر مالزی، سودان و فیلیپین، احیا و تدریس مجدد زبان سرزمین ولز که به دلایل مختلف فراموش شده بود به مردمان این سرزمین و ... همه و همه نشانه‌های شکل‌گیری فضای کثرت‌گرا و تمرکز گریز در عرصه جهانی‌اند. (سینایی و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

این کثرت به معنای نسبیت محض و نفی مطلق شباهت‌ها و یکسانی نیست و به واقع، کثرت‌گرایی فرهنگی، ما را به شناسایی و حتی گرامی داشتن دیگران، درست همانگونه که

هستند، بدون سقوط به نژادپرستی دعوت می‌کند. (رجایی، ۱۳۸۰:۱۳۳) این فضای جدید باعث شده است تا نغمه فرهنگی جهان کنونی چند صدایی باشد و ضمن رد کردن اندیشه خلوص و بساطت فرهنگی واحد و همگن و نیز اندیشه تفاوت و پراکندگی و امتناع از تداخل فرهنگ‌ها، با واقعیت دیالکتیکی فرهنگی در تاریخ سازگار افتد و فرهنگ‌ها از پدیده‌های متصلب و تغییر ناپذیر به پدیده‌هایی در حال تغییر تعریف شوند. فرهنگ‌ها در این گفتمان نظامی بازاند که با همدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و فقط از راه ارتباط متقابل باقی می‌مانند. فرهنگ‌ها به دلیل ارتباط اجتناب ناپذیری که با هم دارند، قوام و تکامل می‌یابند و فرهنگ‌های غنی‌تر آنهایی‌اند که برآیند فرهنگ‌های بیشتری‌اند. بنابراین هم اندیشه فرهنگ یکپارچه و هم پراکندگی فرهنگ‌ها، به نحوی که منجر به عدم تمایل آنها به ترکیب و تداخل اندیشه‌های دیگر شود، انتزاعی و غیر تاریخی‌اند. (بشیری، ۱۳۷۹: ۱۴۵-۱۴۴) کثرت‌گرایی فرهنگی هم بیانگر تنوع است و هم وحدت، تنوع، تجلی دل‌بستگی‌های محلی و هویت‌های خاص را مجاز می‌شمارد و در عین حال، مستلزم وحدت است، زیرا ترویج‌گر مفهوم جهان‌بودگی (جهان به مثابه یک کل) است. (آقاجانی، ۱۳۸۹)

وجود تنوع، گوناگونی و کثرت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از مهمترین ویژگی‌های جهان فعلی به شمار می‌آید تا آنجا که حتی دموکراسی‌های امروزین نیز به خاطر عدم توجه کافی به چگونگی برخورد و رفتارها با پیچیدگی، آمیختگی و پلورالیسم فرهنگی درون جوامع خویش، با بحران مواجه شده‌اند. (Mellucci, 2000.507)

یکی از موضوعاتی که دموکراسی لیبرال را به چالش گشاینده است، مسئله سیاسی شدن تفاوت‌های فرهنگی و قومی است. امروزه فرهنگ‌های اقلیت، خواهان شناسایی بیشتر و عام‌تر هویت‌های ویژه خود و نیز آزادی‌های بیشتر و فرصت‌هایی بهتر برای حفظ و توسعه اندوخته فرهنگی متمایز و ویژه خویش‌اند. در پاسخ چنین تقاضاهایی، سازوکارهای نوینی در بسیاری از کشورها برای سازگاری با تفاوت ایجاد شده است. (Ingram Baghrmian and, 2000.208)

فضای جهان کنونی که امتناع از پذیرش «استبداد» همه مکاتب و آیین‌هایی که استاندارد های «درست زیستن» افراد را در زندگی تعیین می‌کنند، در مرکز آن قرار دارد، الگوهای تمامیت‌خواه رژیم‌های سیاسی ایدئولوژیک و مطلقه را بر نمی‌تابد. نغمه چند صدایی فرهنگ

جهانی، حکایت از آن دارد که زمان برچیدن بساط بناهای شکوهمند یگانه انگارانه فرا رسیده است، زیرا چنین نظام‌هایی با ادعای در دست داشتن تعاریف «حقیقت مطلق» به سادگی به استبداد می‌انجامند. واقعیت امروز به خوبی نشانگر عدم مطلوبیت و امکان ناپذیری یکسان گردانی سیاسی و مدیریت شبیه سازی است. به نظر برخی از صاحب نظران، امروزه ایده «یک ملت- یک فرهنگ» به شکست انجامیده است و پذیرش تنوع و گوناگونی گریزناپذیر از آن است که در برنامه ریزی‌ها و سیاست گذاری‌ها مغفول واقع شود. (سینائی و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

سیاست گذاری های قومی

سیاست گذاری های قومی را می‌توان مجموعه‌ای از استراتژی‌های دولت‌ها برای تنظیم روابط قومی در سه سطح درون قومی، میان اقوام و حکومت بدانیم. ماهیت سیاست‌گذاری های قومی را می‌توانیم در قالب دو الگوی عمده یعنی همانند سازی، تکثرگرایی بررسی کنیم:

۱. **مدل همانند سازی:** همانند سازی که از آن تحت عنوان یکسان سازی فرهنگی یا یک شکلی فرهنگی نیز یاد می‌شود از ریشه‌ای لاتین به معنای مشابه ساختن یا مشابه شدن و حاصل یا نتیجه آن گرفته شده است. این مفهوم در فارسی، معادل‌هایی نظیر تطبیق، همسانی و یکی سازی یافته است. در آغاز، این مفهوم در علوم طبیعی به کار می‌رفت و به معنای جذب و هضم مواد در بدن بود، ولی بعدها، در جامعه‌شناسی به معنای فرایند پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط افراد و گروه‌هایی از جامعه به ترتیبی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند، به کار رفت. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۴) این مدل به فرایند پذیرش ارزش‌ها، الگو و فرهنگ گروه برتر جامعه توسط اقوام و دیگر گروه‌های اقلیت در جامعه اطلاق می‌شود که طی آن، این اجتماعات کوچک قومی در بطن گروه مسلط جذب و هضم می‌شوند. همانند سازی، بخشی از فرایند تغییرات اجتماعی و فرهنگی است. امکانات و محدودیت‌های این تغییرات توسط جامعه تعیین می‌شود و فرهنگ پذیری تازه واردان به آنها این امکان را می‌دهد تا نقش خود را دریابند و قواعد و سنت‌های جامعه بزرگتر را بپذیرا شوند. (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۷۵) همانند سازی قومی عمدتاً بر دو بعد فرهنگی و ساختاری استوار است. گوردون مراحل

جذب گروه‌ها و همگون سازی اقوام با هسته مرکزی جامعه را در دو بعد فرهنگی و ساختاری، طی هفت مرحله می‌داند:

(۱) همانند سازی فرهنگی؛ (۲) همانند سازی ساختاری؛ (۳) همانند سازی مادی؛ (۴) همانند سازی هویتی (۵) همانند سازی ایستاری (بینشی)؛ (۶) همانند سازی رفتاری؛ (۷) همانندسازی مدنی. (مقصودی، ۱۳۷۸: ۷۱)

همانند سازی کامل، محو کامل فرهنگی را پیش می‌آورد. به همین جهت، می‌توان آن را نوعی ریشه کن کردن فرهنگی خواند که تمایلات اقلیت مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به خصوص که اکثریت اغلب سلطه اقتصادی نیز دارند، ولی همانند سازی کامل و صددرصد تقریباً بی-سابقه است؛ چرا که گروه‌های اقلیت‌های تمامی هویت فرد را از دست نمی‌دهند و مقداری از فرهنگ خود را داخل گروه و محیط خود حفظ می‌کنند مانند فولکورهای محلی که پناهگاه طبیعی ادبیات قومی و محلی می‌باشد. (پورقوشچی و نادری، ۱۳۹۳: ۷۰).

۲. مدل تکثرگرایی: این الگو، نقطه مقابل همانندسازی محسوب شده و در نتیجه، تنوع گروهی و حفظ مرزهای جدا کننده گروه‌های قومی از یکدیگر را تشویق می‌کند. در این مدل تمامی، گروه‌های فرهنگی و قومی، پذیرفته شده هستند و از طریق مشارکت و همزیستی، در عین حفظ وجوه تمایز خود با یکدیگر، به یک نظام سیاسی و اجتماعی کلان تر تعلق خاطر دارند. ابعاد فرهنگی و ساختاری، دو بعد اصلی نظام تکثرگرایی هستند. بعد فرهنگی بر حفظ تفاوت‌های فرهنگی اقوام تأکید دارد و در بعد ساختاری دولت و حاکمان این امکان را فراهم می‌آورند تا سازمان‌های مستقلی مانند اداره‌ها، مدارس و ... براساس تفاوت‌های فرهنگی اقوام ایجاد شوند. (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۷۱)

در این الگو، سعی بر آن است که با جداگانه داشتن اقلیت‌ها از یکدیگر و بومی سازی مناطق، تحرکات قومی در کشور را کنترل کرد. آنتونی گیدنز این مدل را الگوی سیاست گذاری مناسبی برای توسعه در جوامع چند قومی می‌داند که طی آن اعتبار خرده فرهنگ‌ها به رسمیت شناخته می‌شود. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۹۱)

در جوامع چند قومی کنونی، دو شکل از تکثرگرایی مساوات طلبانه و نابرابر مشهود است که هر کدام سیاست و ایدئولوژی‌های خاص خود را دارا هستند.

دیدگاه مقام معظم رهبری در خصوص تنوع قومی و فرهنگی در ایران

رهبر معظم انقلاب، آیت الله العظمی خامنه ای، نگاهی فرصت محور به تنوع قومی در کشور دارند. لذا نقطه نظرات ایشان پیرامون قومیت‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. نگاه فرصت نگر به تنوع قومی

مهمترین ویژگی اقوام ایرانی را باید در مولفه‌های مشترک جستجو نمود تا در آن صورت بتوان آنها را در قالب یک هویت واحد به نام ملت پذیرفت. تاریخ، جغرافیا، سنت‌ها و فرهنگ مشترک میان اقوام ایرانی، از جمله محورهای اساسی وحدت آفرین میان این اقوام است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در کردستان، ۱۳/۰۴/۱۳۶۸) تنوع قومی در ایران به دلیل وجود مولفه‌های حقیقی همبستگی میان اقوام و قرار گرفتن هویت قومی به عنوان جزء لاینفک هویت ملی یک فرصت قلمداد می‌شود. پس هر چه مولفه‌های هویت قومی با توجه به هویت ملی تقویت شود، هویت و همبستگی ملی نیز تقویت خواهد شد: «سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد‌های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزای گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند؛ با مراودات درست و با هم زیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان‌های مختلف، ولو از ملت‌های گوناگون، تفاوتی نیست؛ چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است. لذا ما به منطقه کرد، استان کردستان و مناطق اقوام دیگر با نگاه اسلامی نگاه می‌کنیم. (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۲۲/۲/۱۳۸۸)

تاریخ و دغدغه‌های سیاسی مشترک در کنار سرزمین و حکومت مشترک باعث می‌شود تا این اقوام در برابر هر هجمه‌ای به کشورشان به دفاع از آن برخیزند. در واقع هویت قومی جزئی جدایی ناپذیر از هویت ملی ماست. در همین راستا رهبر معظم انقلاب با اشاره به مقاومت جانانه اقوام گوناگون کشورمان در سال‌های دفاع مقدس می‌فرمایند: نوبت دفاع مقدس هم که می‌رسد، جنگ هشت ساله ما، مردم همین گونه از همه جا شرکت می‌کنند؛ همه شهید می‌دهند؛ همه برای خدا وارد میدان می‌شوند و همه حول یک احساس وظیفه مشترک، اقدام می‌کنند. (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۲۱/۱۱/۱۳۷۵) در واقع «جنگ تحمیلی هشت ساله، از

کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خون‌ها در هم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۵/۱۳). رهبر انقلاب دین را «عامل حقیقی وحدت» در جامعه ایرانی توصیف می‌کنند و دیگر عوامل وحدت مانند فرهنگ، سنت‌ها و حتی زبان فارسی را با وجود عامل دین معنادار می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «عده‌ای سعی می‌کنند اهمیت عامل پیوند مستحکم دل‌های ملت ایران، یعنی ایمان اسلامی را کم کنند؛ نه، کشور و ملت یکپارچه است؛ البته یکپارچگی‌اش به خاطر تاریخ و جغرافیا و سنت‌ها و فرهنگ است، اما عمدتاً به خاطر دین و مسأله رهبری است که اجزای این ملت را به هم وصل کرده و همه احساس یکپارچگی می‌کنند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۴/۱۹)

ایشان در خصوص تنوع قومی می‌فرمایند: «معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آنهاست. در کشور ما به عکس است. (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۲/۱۴) تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۲/۲۴) زیرا «ایران یکپارچه است و مانند شوروی متشکل از سرزمین‌های به هم سنجاق شده نیست. حتی آن قسمت‌هایی هم که در قرن‌های گذشته جدا شدند، اگر ته دلشان را بگردید، مایلند با ما باشند. آنها هم دلشان می‌خواهد که به این مادر بپیوندند. این کجا، کشور اتحاد جماهیر شوروی کجا؟ ده، یازده کشور را با سنجاق یا به تعبیری با شلاق به هم بستند و به اصطلاح یک کشور تشکیل گردید! معلوم است که تا شلاق برداشته شد، از هم جدا می‌شوند و شدند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۴/۱۹)

به طور کلی در اندیشه ایشان، هویت ملی بر دیگر هویت‌های فردی اولویت دارد و اقوام ایرانی افتخار می‌کنند که فرزند ایران اسلامی هستند: «همه اقوام ایرانی به ایران و جمهوری اسلامی علاقه مندند و ایران را میهن خودشان می‌دانند. [...] اقوام ایرانی مسلمانند و به این آب و خاک دلبسته‌اند؛ عزت و رفاه خودشان را در ایران سربلند و آزاد مشاهده می‌کنند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۴/۱۹)

۲. مخالفت با تبعیض و رفع محرومیت‌ها در میان اقوام ایرانی

رهبر انقلاب در خصوص عدم تبعیض در میان اقوام ایرانی می‌گویند: «نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض آمیز نگاه نمی‌کند؛ نه کردستان و نه به هر نقطه ویژه دیگری در سرتاسر کشور ... نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب-آمیز، قوم‌گرا، یک جانبه نگر نیست. این را به طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته در دهه شصت، زمان حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه چنین چیزی نبوده». (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۲/۲۴) جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه سیاست غلط رژیم گذشته را مبنی بر بیگانه انگاشتن اقوام نفی نموده و «این نگاه را تصحیح کرد، نه فقط در سطح مسئولان، بلکه در سطح آحاد مردم» (بیانات مقام رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۲/۲۲) و نگاه اسلامی را که مبتنی بر «برادری و اتحاد و همدلی و صمیمیت است». (همان)، جایگزین آن نموده بنابراین در تمام برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای، تبعیضی میان مردم سراسر کشور به خصوص مناطق قومی نائل نشد. اما در سال‌های آغازین انقلاب با وجود برنامه ریزی برای حل مشکلات ناشی از رژیم گذشته، حضور «ضد انقلاب» و «ایجاد ناامنی در این مناطق» مانع از فعالیت نظام اسلامی و در نتیجه موجب عقب افتادن این مناطق از توسعه و به ویژه در حوزه زیرساخت‌ها شد و «ضد انقلاب این فرصت را متأسفانه برای مدت چند سال از دست نظام جمهوری اسلامی گرفت». (همان)

۳. مشارکت اقوام ایرانی در مسائل مهم کشوری

حاکم نبودن نگاه تبعیض آمیز به اقوام در نظام جمهوری اسلامی ایران موجب نقش آفرینی عموم مردم از اقوام مختلف و نخبگان در حوزه‌های گوناگون خواهد شد. وجود انواع سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اقوام ایرانی و پیروان ادیان و اهالی مناطق گوناگون کشور در مجلس (پیام رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۳/۶) نشان از حضور و نقش آفرینی تمام اقوام ایرانی در قانونگذاری دارد. نبود مرزبندی قومی و مذهبی برای حضور در بسیج نیز نشانه دیگری از نقش اقوام ایرانی در یک جمع ارزشی و انقلابی و نقش آفرینی آنها در دفاع از نظام اسلامی است. به فرموده رهبر انقلاب: «بسیج، مرز صنفی و مرز جغرافیایی و قومی نمی‌شناسد. همه

اقوام ایرانی، همه اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسان‌های نخبه برجسته ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوان‌های فعال و پرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج نماد حضوری ملی مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۴/۶/۲)

۴. بهره‌گیری از توان مدیریت و اجرایی اقوام مختلف در کشور

در این راستا رهبر انقلاب از یک سو در رهنمودی به نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: «همه تمایلات منطقه‌ای و قومی و بخشی باید در پرتو نگاه ملی برآورده شود.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۲/۳/۷) از سوی دیگر بر امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی مردم این مناطق به عنوان یک سرمایه و ثروت ملی نظر افکنده می‌شود: «زبان کردی یک ثروت ملی است، استعدادهای علمی و هنری جوانان اینجا ثروت ملی است، استعداد های ورزشی جوانان کردستان یک ثروت ملی است، از این ثروت‌های ملی باید استفاده بشود، بهره‌برداری بشود، به فعلیت برسد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۲/۲۹)

لذا ایشان بر استفاده از روحیه قومی برای پیشرفت ملی تأکید می‌کنند: «هر قومی از اقوام ایرانی، چه کرد، چه فارس، چه ترک، چه بلوچ، چه عرب، چه لر، سعی کنید با همان روحیه قومی در جهت پیشرفت ملی، نه صرفاً پیشرفت قومی، گام‌های بلندتری بردارد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۲/۲۷)

۵. کاستن از تمرکزگرایی و اعطای حقوق اقوام

در نظام اسلامی مقوله «قومیت» و «مذهب» هیچ‌گاه مانع شناسایی و اعطای حقوق مسلم اقوام ایرانی نخواهد بود، بلکه «نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش، اسلام و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانیت. همه مسلمان‌ها و همه ایرانی‌ها در این نگاه، در محدوده جغرافیایی کشور دارای ارزش هستند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۲/۲۴) بنابراین «ما وقتی که می‌خواهیم یک ایرانی را به عنوان یک ایرانی به حقوق حقه خویش برسانیم، از او سؤال نمی‌کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست؟ نه، مواطن ماست و از حقوق همشهری‌گری که با ما دارد، استفاده می‌کند و در این مملکت زندگی می‌کند، چیزی باید بپردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد. حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ

دارد». (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰/۸/۲۷) از سوی «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه مردم در سرتاسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و ادیان مختلف از آن بهره می‌برند». (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۱۱/۲۵)

۶. اهانت به مقدسات یکدیگر؛ خط قرمز نظام اسلامی

در ایران اسلامی «اهانت به ارزش‌ها و مقدسات گروه‌های مختلف قومی و مذهبی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، به عنوان «خط قرمز» معرفی شده است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچکس نباید تسلیم این نقشه خائنانه خبثت آمیز دشمن بشود. آنها می‌خواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دلها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین، آنها این را می‌خواهند. برای همین است که من اعلام کرده‌ام، باز هم تأکید می‌کنم خط قرمز از نظر اسلامی و از نظر ما عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر». (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۲/۲۹) همچنین ایشان با اعلام حرمت تقلید لهجه قومیت‌ها در صورت تمسخر لهجه، به ریشه یابی این نقشه استعمار می‌پردازند: «غالب این شهرهایی که لهجه‌های آنها تقلید می‌شوند، شهرهایی هستند دارای مردم غیرتمندی هستند که در حوادث مهم صد سال پیش در مقابل دشمنان و مهاجمین ایستاده‌اند. این تصادفی نیست. این تقلید هم سابقه ندارد. یعنی توی هیچ یک از این کتاب‌های ادبی و طنز و غیره ما ندیدیم که یک حرفی باشد که نشان دهنده تقلید لهجه باشد. این مال همین اواخر است؛ یعنی مثلاً از صد سال پیش به این طرف؛ یعنی از وقتی که کشور ما در مواجهه با این دشمنی‌ها قرار گرفته، یکی از مناطقی که ایستادگی سرسخت کرده، مناطق شمال است، منطقه گیلان، یکی از مناطق، منطقه خراسان است؛ یکی از مناطق، مناطق آذربایجان است. اینها آن جاهایی هستند که مردمش سرسختی و سلحشوری نشان دادند. اتفاقاً سعی شده است که همین‌ها از لحاظ لهجه در بین مردم سبک بشوند. یعنی تقلید می‌شود». (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۱/۳۱)

۷. جدا کردن حساب اقوام ایرانی از اشرار

از سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران جدا دانستن حساب اقوام و اشرار و فریب خوردگان است. این سیاست در مقابله با تبلیغات دشمنان که در تلاش بودند تحرکات علیه

جمهوری اسلامی ایران را در مناطق قومی به حساب اقوام بگذارند، بسیار کارآمد و موثر بود. بنابراین حضور برخی از اشرار در بعضی مناطق نه تنها جمهوری اسلامی ایران را نسبت به مردم منطقه بدبین نمی‌کند، بلکه نظام را بر آن می‌دارد که منطقه را از لوث وجود آنها با همکاری مردم منطقه پاک نماید. رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم سقز به این تفکیک اقوام از اشرار تاکید می‌کنند: «به عموم ملت ایران از اقوام گوناگون هم بگویم، مبدا به اشتباه بیفتند. مبدا رفتار گروه‌های اندک شمار که پنجه به چهره انقلاب و جمهوری اسلامی می‌زدند، به حساب این مردم عزیز، این جمعیت انبوه، این دل‌های وفادار نوشته بشود. تعداد معدودی انسان‌های شریر یا فریب خورده که در هر نقطه‌ای پیدا می‌شوند، در کردستان و در غیر کردستان، حساب اینها از حساب مردم عزیز این استان به کلی جداست» و خود مردم با این افراد برخورد می‌کنند. وجود گروه «پیشمرگان کرد مسلمان» یکی از مصادیقی است که ایشان در اثبات این مطلب بیان می‌کنند: «در همان دورانی که در اینجا و جاهای دیگر، یک عده ایادی بیگانه به نام مردم کرد حرف‌هایی می‌زدند که مردم کرد روحشان از آن حرف‌ها خبر نداشت، آن روزی که در این استان و استان‌های هم‌جوار، دست‌های شیطنت‌آمیز دشمنان به فکر فتنه و برادرکشی بودند، خود مردم این استان در صفوف مقدم قرار گرفتند؛ یاد پرافتخار، پیشمرگان کرد مسلمان هرگز از خاطره آن کسانی که مجاهدات آنها را دیدند، نخواهد رفت». (بیانات رهبر معظم انقلاب در سقز، ۱۳۸۸/۰۲/۲۹ به نقل از مهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۲)

تکثرگرایی بر پایه هویت ایرانی- اسلامی الگویی برای ارتقاء و هم افزایی همگرایی قومی در ایران

امروزه برای تقویت ارتقا همگرایی قومی در ایران و با تاکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب، ضرورت انجام سیاست گذاری‌ها و برنامه ریزی‌های کلان در چارچوب الگوی تکثرگرایی بر پایه هویت ایرانی- اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیش از هر زمان احساس می‌شود. این الگو بیانگر نوعی وحدت در عین کثرت است و به کثرت اقوام درون جامعه ایرانی احترام گذاشته و پایه‌های انسجام و وحدت ملی را مستحکم‌تر و دوام بیشتری می‌بخشد. چرا که هر زمان سردمداران حکومت در ایران از توجه به همسازی

لایه‌های مختلف هویتی جامعه ایرانی و اقوام غافل شده و در طراحی الگو و سیاست‌ها و اجرای برنامه‌ها بخشی از آن را ندید گرفته‌اند، دچار مشکل شده‌اند. بنابراین نوع نگرش و بینش سران حکومت به تنوع قومی و فرهنگی در ایران و عدم توجه به شرایط حال حاضر دنیا در پیشبرد سیاست گذاری‌ها و مهندسی سیاست‌ها نقش تأثیرگذار و تعیین کننده‌ای دارد. لذا این الگو با رویکردی مثبت به تنوع قومی فرصت دانستن آن در عصر جهانی شدن می‌تواند ما را در مقابل بحران‌ها و منازعات قومی، مصونیت بخشد. برای تحقق این نظام به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی در راه رسیدن به جامعه‌ای مترقی نیازمند راهکارها و ضروریاتی هستیم که با کاربردی آنها می‌توان به نتایج قابل ملاحظه‌ای دست یافت.

۱- راهکارهای سیاسی:

رهبری و مرجعیت نقش بسیار موثری در ارتقا همگرایی، وحدت و وفاق اجتماعی دارد. رهبر، به عنوان فردی دلسوز در راس حکومت می‌تواند با روش‌های مختلف در برقراری وحدت ملی موثر باشد. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: الف- با عنایت به فرامین عالی الهی در صدد باشد احکام خدا را عملی و اجرا نماید؛ ب- در برقراری عدالت اجتماعی تلاش نماید و با هرگونه تبعیض و فساد مبارزه کند؛ ج- امور مسلمانان و مستضعفان رسیدگی کند و از تضییع حقوق آنان جلوگیری نماید؛ چ- مردم و مسئولان را با وظایف خود آشنا ساخته و با رهنمودهای خود آنان را به همدیگر نزدیکتر نماید. همچنین نکته مهم و اساسی اینکه، برقراری حاکمیت دینی، به رهبری علمای دین و با یاری مردم تحقق می‌یابد. مردم در این صورت نیز دوستدار ولایت‌اند و در پاسخ به ندای رهبری از جان دریغ نمی‌کنند. اما در این میان وظیفه رهبر است تا به شکل‌های مختلف مردم را در صحنه نگاه دارد و در تمام امور از حقوق مردم دفاع نماید. (پناهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶-۱۵) بنابراین، علاوه بر رهبری، حضور و وجود مشارکت سیاسی آحاد جامعه می‌تواند نقش بسزایی در تشدید یا تخفیف قوم‌مداری و سیاسی شدن قومیت‌ها داشته باشد. بی تردید اتخاذ سیاست عدم تمرکز و بهره‌گیری از مشارکت بیشتر اقوام در سایه دولتی کارا و مقتدر، امکانپذیر است و در مقابل، دولت نیز قادر به کنترل و مهار متناسب تقاضاها خواهد بود و در این راستا توجه به نخبگان قومی و بهره‌گیری از آنها در مدیریت‌های اجرایی می‌تواند تضمین کننده وحدت ملی باشد. گسترش

مشارکت سیاسی و گردشی قدرت در بین نخبگان یک مسئله مهم برای پویایی جامعه است. «تد رابرت گر» در این رابطه بر این اعتقاد است که: کسانی که آرزومند نیل به جایگاه نخبگان هستند، تمایل زیادی برای کسب قدرت سیاسی دارند و اگر مانعی بر سر راه و دسترسی آنها بدین جایگاه یعنی اقتدار سیاسی مرکزی ایجاد شود، خشمگین می‌شوند و شورش می‌کنند. وی همچنین معتقد است: فقدان چرخش نخبگان، بسیاری از آنها را در استفاده از استعدادهای خود یا کسب پاداش‌هایی مناسب در ازای آن، باز می‌دارد و اگر آنها روزنه دیگری برای استعدادهای خود نیابند، همیشه دست به شورش می‌زنند. (گر، ۱۳۷۷: ۱۷) لذا ایجاد توازن معقول میان مطالبات قومی و قدرت دولت مرکزی به نحوی که گروه‌های قومی نیز ادامه حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را در سایه اقتدار دولت مرکزی ببینند، امری ظریف و حساس است که از طریق آینده نگری و واقع بینی سیاسی و اتخاذ تصمیمات بلند مدت و بر مبنای منافع ملی و نه مقطعی قابل حصول است. همچنین که اقوام در ایران انتظار دارند که حضور و نقش آنها در تحولات سیاسی کشور صرفاً صوری و نمادین نباشد بلکه خواهان آن هستند که به صورت عملی و با توجه به اصول مصرح در قانون اساسی، در تعیین سرنوشت خود مشارکت سیاسی داشته و ایفای نقش نمایند. (پورقوشچی و نادری، ۱۳۹۳: ۸۲) بنابراین با توجه به اینکه در سال‌های اخیر تحت تأثیر جهانی شدن و گفتمان دموکراسی خواهی و تکثرگرایانه، لزوم بازنگری در سیاست‌گذاری‌های کلان در خصوص اقوام با هدف برطرف سازی موانع موجود بر سر راه مشارکت موثرتر آنان در ساختار سیاسی کشور به جهت ارتقا سطح همگرایی و همبستگی ملی، بیش از پیش امری ضروری و حتمی است زیرا حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی یکی از مطالبات اساسی اقوام است.

یکی دیگر از راهکارهای موثر سیاسی در جهت تقویت همگرایی و انسجام ملی، هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی و قوای سه گانه در کشور است. «به مسئولان در سطوح مختلف هم عرض می‌کنم که یکی از راه‌های موفقیت عملی و جا گرفتن در چشم مردم، همکاری قوای سه گانه است، نباید همدیگر را تضعیف بکنند. هیچکس نباید قوای مسئول مملکت را تضعیف بکند». (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۷۹/۱۰/۰۷)

همچنین بکارگیری مدیران و کارگزاران انقلابی، متعهد، لایق و شایسته به سبب جلب اعتماد و اطمینان مردم یکی دیگر از نکات مهم در تقویت وحدت ملی می‌باشد. رهبری می‌فرمایند: «شما چگونه می‌خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اعتماد داشته باشند. اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفات رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قائل نشدیم. هرچه توانستیم خرج کردیم. مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟ مگر مردم کورند؟ آقایان! مگر مردم نمی‌بینند که ما چگونه زندگی می‌کنیم؟» (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۰۵/۲۳)

۲- راهکارهای اقتصادی:

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «مسئولان فرق نمی‌کند، مسئولان دولتی، مسئولان قوه مقننه، قضائیه، یعنی همه کسانی که دست اندر کار مسائل اداره کشورند باید به آن مسئولیت خودشان بپردازند و وجود خودشان را به آن بدهند..... مهمترین مساله، مساله اقتصادی است. این طرح (ساماندهی اقتصادی) کار بزرگی بود. طرح امیدی در مردم ایجاد می‌کند.....». (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۰۴)

لزوم توجه به رفاه اقتصادی و اجتماعی به جهت جلوگیری از درونی شدن احساس محرومیت امری ضروری است که دولت باید با کاهش نابرابری‌های اجتماعی از طریق توجه بیشتر به مناطق محروم، لزوم توجه بیشتر به عمران و توسعه منطقه‌ای مناطق مرزی و قوم نشین، افزایش میزان بهره‌مندی از رفاه اقتصادی، اجتماعی و انسانی، تأمین مسکن مناسب، افزایش و گسترش تأمین اجتماعی و بهداشت و درمان، بالا بردن سن امید به زندگی، تأمین اشتغال و امرار معاش، افزایش فرصت‌های شغلی، تقسیم عادلانه فرصت‌های مدیریتی، کاهش اختلاف شاخص‌های رفاه بین استان‌های مناطق محروم نسبت به استان‌های برخوردار، گسترش بازار ملی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در مناطق مرزی، افزایش مهارت‌های فردی، زمینه‌های رضایت‌مندی و آسایش، کاهش فقر و محرومیت در مناطق محروم و مرزی را فراهم نماید.

در یک نظام متکثر و مردم سالار، راهی به جز توزیع برابری و متوازن فرصت‌ها، امکانات و سرمایه در کشور باقی نمی‌ماند و صرفاً از این طریق می‌توان زمینه توسعه‌ی پایدار و همه جانبه کشور را فراهم کرد. توجه به رشد و توسعه اقتصاد مناطق قومی، ضمن آنکه به رشد و توسعه ملی یاری می‌رساند، نیز می‌تواند در افزایش وابستگی اقتصادی- اجتماعی بین منطقه‌ای و همبستگی ناشی از این عوامل، موثر باشد. (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۴۱۰)

نگاهی به روند برنامه ریزی توسعه در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که غفلت از توسعه متوازن و توزیع نابرابر فرصت‌های رشد و بالندگی، مردم مناطق محروم را با مشکلات متعددی مواجه ساخته است. (مفرد، ۱۳۹۱) نرخ بیکاری در تابستان سال ۱۳۹۲ در استان سیستان و بلوچستان ۱۴.۲ درصد و در کردستان ۱۳.۴ درصد بود که در مقایسه با نرخ بیکاری در سایر استان‌ها رقم بسیار بالایی است. (روزنامه شرق، ۱۳۹۳/۷/۲۷)

لذا دولت و مسئولان اجرایی باید فارغ از هرگونه تبعیضی، توزیع عادلانه درآمد را در تمامی نقاط کشور مدنظر داشته باشند. «مباحثی همچون اولویت توسعه سیاسی یا اقتصادی، که مدت‌ها بخش اعظمی از وقت رسانه‌های مختلف را به خود اختصاص داد، اما کارگزاران و مسئولان دولتی باید بدون توجه به این مباحث، به دنبال اصلاح وضع اقتصادی مردم باشند؛ چرا که اگر مردم از مسائل اقتصادی و معیشتی؛ نارضایتی نداشته باشند، هیچ مسأله‌ای آنها را به معارضة ترغیب و تشویق نمی‌کند. اما اگر مردم مشکلات اقتصادی فراوان داشته باشند، هر قدر هم آزادی باشد، مردم از حکومت برمی‌گردند. (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۰۴) همچنین ارتباط و پیوند ایران با اقتصاد جهانی و اقتصاد شبکه‌ای، نه تنها باعث رشد و شکوفایی اقتصاد ملی می‌شود، بلکه می‌تواند بر اقتصاد مناطق قومی نیز تأثیرگذار بوده و رشد و توسعه را در مناطق مزبور به همراه داشته باشد. در چنین وضعیتی گروه‌های قومی خواهند توانست از مزایا و فرصت‌هایی که فرآیند جهانی شدن به خصوص در عرصه اقتصاد ایجاد می‌کند، بهره‌مند گردند. (پورقوشچی و نادری، ۱۳۹۳)

تأسیس بازار مشترک منطقه‌ای، استفاده از ظرفیت‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو، افزایش مراودات بانکی و گسترش سرمایه‌گذاری از طریق تسهیل شرایط و تشویق سرمایه

داران به سرمایه گذاری در این مناطق و نیز ایجاد تسهیلات برای سرمایه داران در بخش خارجی اقتصاد می‌تواند بسیار کارگشا باشد.

۳- راهکارهای فرهنگی - اجتماعی:

مقوله فرهنگ در دگرگونی اوضاع هر جامعه‌ای نقش اساسی دارد. از آن جایی که جامعه ما یک جامعه‌ای دینی و مذهبی است، با جوامعی که صرفاً مسائل مادی زندگی مردم در میان آنها اهمیت دارد، تفاوت‌های بسیاری خواهد داشت. در چنین جامعه‌ای در کنار مسائل مادی و معیشتی مردم، هدف‌های معنوی و فرهنگی آنان نیز، که با روح و قلب آنان عجین می‌باشد، برنامه ریزی می‌شود.

لذا یکی از مسائل مهم و شاخص‌های توسعه یافتگی، میزان با سوادی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی است و نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که میزان بالای بی سوادی، عمدتاً در مناطق شرقی و غربی ایران که بیشتر اقوام کرد، ترک و بلوچ هستند، وجود دارد. براین اساس، استان‌های مزبور در سطح پایینی از توسعه یافتگی قرار دارند. هر چه میزان توسعه یافتگی کمتر باشد، میزان بی سوادی بیشتر خواهد بود. (امیراحمدی، ۱۳۷۱: ۹۰) افزایش درصد باسوادان، ارتقای سطح ارتباطات جهت کاهش فاصله اجتماعی و تقویت پیوند-های اجتماعی بین بخش‌ها و نواحی مختلف، بسط و گسترش نگرش فرمانطقه‌ای و فراقومی، برگزاری همایش‌ها، تأسیس مجله، ایجاد و حمایت از NGO ها، استفاده از فضای سایبری موثر، گسترش پوشش شبکه‌های تلویزیونی ایران، استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی قومی و بکارگیری سیاست تکثرگرایانه فرهنگی بسیار کارساز است؛ زیرا احترام به آداب و رسوم اقوام و خرده فرهنگ‌ها، اصالت تنوع قومی و فرهنگی و توجه به اصل وحدت در عین کثرت، می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات کشور باشد. بدین معنا که وحدت و انسجام کلی کشور در صورت پذیرش اصل تنوع موجود، امکانپذیر است. در این شرایط، توازن تاریخی و طبیعی ملت همچنان باید حفظ شود و در طول زمان تداوم یابد. (صالحی امیری، ۱۳۸۵)

«سیاست ما مقهور فرهنگ ماست و چهره بیرونی و نمادین انقلاب، یک چهره فرهنگی است. فرهنگ ما ساخته شده تاریخ، مکتب و انقلاب ماست. لذا با این ادعای بزرگ، مردم از ما توقعات بسیاری دارند که باید به آن عمل کنیم و از بین بردن نواقص کار را جدی بگیریم.»

(بیانات رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۰۹/۱۵)

بنابراین، رهبری اثربخش و کارآمد فرهنگی نقش اساسی در تحقق ارتقا و هم‌افزایی فرهنگی دارد. رهبران فرهنگی باید بتوانند میان فرهنگ‌های متنوع ارتباطی موثر برقرار کنند و چه بسا که برخی از آداب و رسوم محلی، عمومیت یافته و جز سنن مشترک ملی قرار گیرد و از جنبه قومی و محلی خارج شود. همچنین اعتمادسازی و تقویت فضای اجتماعی در جامعه و روابط و گفتگوی بین فرهنگی، تعهد به اهداف مشترک فرهنگی، احترام به اخلاق، عادات و رسوم انسانی، نبود تعصب، پیشداوری، تبعیض فرهنگی، وجود آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی با آموزش‌های بین فرهنگی و بهره‌گیری از مهارت خلاقیت فرهنگی می‌توان به هویت ملی غنای خاصی بخشید و باعث هم‌افزایی فرهنگی در ایران شد.

زبان نباید به یک عنصر ناسازگار تبدیل گردد و اگر چه زبان فارسی از شیرینی و حلاوت خاصی برخوردار است، زبان سعدی و حافظ است، زبان فردوسی و نظامی است، زبان مولانا جلال الدین رومی است، منبع الهام و عرفان است، وسیله به وجود آمدن گنجینه گران بهای ادب و هنر ایران و زبان رسمی کشور است، اما همه این محاسن و مزایا، نباید باعث شود که ما زبان‌هایی را که جمعی از هم‌میهنان ما به آنها تکلم می‌کنند، مورد بی‌مهری قرار دهیم؛ چرا که بنا به سخن اهل تفکر و حکمت، اثبات شیئی نفی ما عدا نمی‌کند. زیبایی و شیوایی زبان فارسی، لطف معانی و مفاهیم زبان‌های دیگر را از بین نمی‌برد. (افشار، ۱۳۷۲: ۶۶۱)

جلال آل احمد نیز در این رابطه بر این اعتقاد است: باتوجه به اینکه ملیت‌های چند زبانه در روزگار ما اندک نیستند و نیز با توجه به اینکه در ایجاد و وحدت ملی مردم یک ناحیه جغرافیایی، عوامل مذهب، تاریخ، آداب، شرایط اقلیت‌ها و بسیاری عوامل دیگر نیز مطرح است، به هر صورت، وحشتی نیست که اگر مردم آذربایجان را در به کار بردن ترکی آزاد و مختار بگذاریم. (آل احمد، ۱۳۷۵: ۱۳۳)

بنابراین نباید با عنصر زبان برخورد قهرآمیزی کرد، زیرا که زبان فارسی از سوی زبان‌های محلی، مورد تهدید قرار نگرفته است و ضروری به نظر می‌رسد که برای تحکیم بیشتر وحدت ملی، ضمن استفاده از ظرفیت‌های زبانی‌های محلی، عناصر دیگر هویت ساز ملی نظیر

سرزمین، تاریخ ملی، تمدن ایرانی و میراث مشترک به نحو کامل تری از سوی دولتمردان در جامعه برجسته گردد. همچنین باید هم بر وجوه و عناصر ایرانییت و هم اسلامیت هویت ایرانی به یک اندازه تأکید کرد، زیرا غفلت از یکی از این ابعاد همانطور که در دوره پهلوی نیز به اثبات رسید می‌تواند تبعات سنگینی به همراه داشته باشد.

مسئله دیگری که نه تنها تهدیدی جدی برای فرهنگ و هویت ملی ما محسوب می‌شود، بلکه هویت‌های قومی و خرده فرهنگ‌های ما را نیز با خطر جدی روبرو ساخته، تهاجم فرهنگی است. نفوذ فرهنگ بیگانه زمینه ساز وابستگی خواهد بود و استقلال کشور و در نتیجه انسجام ملی را با مشکل روبرو می‌شود. «با عدم وابستگی فرهنگی است که استقلال یک ملت تأمین می‌شود... اگر فرهنگ، اخلاق، عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان ملتی رواج داشته باشد چنین ملتی نمی‌تواند علیرغم مستقل بودن در امور سیاسی و اقتصادی ادعای استقلال کند. تنها در صورتی می‌توان یک مجموعه بشری را مستقل دانست که بتواند خود را از سرایت امواج مسموم فرهنگی که توسط بیگانگان ساخته و پرداخته شده است حفظ کند». (بیانات رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز عالی و درمانی کشور، ۱۳۶۸/۰۹/۱۵)

یک مسئله مهم دیگر در عنصر جهانی شدن فرهنگ، شکل‌گیری جوامع مجازی قومی است که به اندازه جوامع حقیقی می‌تواند تهدیدی جدی برای همبستگی و همگرایی ملی باشد. جوامع مجازی قومی در نتیجه تکنولوژی‌های ارتباطی و با توجه به اشتراک در تصورات، علائق و ارزش‌ها در فضای مجازی شکل می‌گیرد. (Elikin, 1997) لذا با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، الگوی تکثرگرایی با محوریت ارزش‌های دین اسلام و تأکید بر ایرانییت ما، ضمن توجه به شرایط و مقتضیات عصر جهانی شدن و واقعیت شکل‌گیری جوامع مجازی، می‌تواند به جای شکل‌گیری هویت‌های مقاوم در حوزه اقوام، هم‌گرایی و همبستگی و وحدت ملی را بیشتر تقویت نماید.

نتیجه‌گیری:

موضوع جهانی شدن و تأثیر آن بر فرهنگ و هویت‌های ملی و فروملی کشورها از جمله ایران یکی از مهمترین چالش‌ها در هر کشوری از جمله ایران است. بی‌شک پراهمیت‌ترین

مسئله ایران امروز و فردا در سطح ملی و قومی، مسئله هویت و جهانی شدن است. جهانی شدن به خودی خود و لزوماً منجر به حذف و یا تقویت هویت‌های قومی و ملی نمی‌شود و بلکه اثرگذاری آن مشروط است به نگرش دولت‌ها و عملکرد آنها.

لذا هم می‌تواند به عنوان چالش و هم فرصت مطرح شود. تا آنجا که رابرتسون از مفهوم جدیدی به نام جهانی- محلی نام برد. می‌توان انتظار داشت تا در جامعه ایران با دو نوع جنبش اجتماعی در قبال جهانی شدن مواجه باشیم. یکی جنبش‌های مقاومت و دیگری جنبش‌های انطباقی که متأثر از اشاعه کردارها، ارزش‌ها، فن آوری‌ها و دیگر محصولات جهانی در جامعه ایران است. (شفیعی، ۱۳۸۲)

در هر صورت تحولات جهانی نشان می‌دهد که اداره کشور با اتکالی به اقتدار نظامی و شیوه‌های غیردموکراتیک روز به روز دشوارتر می‌شود. در شرایط کنونی، تغییر در ساخت سیاسی متمرکز، امری حیاتی در ملت سازی و شهروندپروری است. واقعیت این است که تداوم فرایند تاریخی ملت سازی، دیگر از طریق ساختارهای کاملاً متمرکز ممکن نیست. افکار عمومی و گفتمان فرهنگی جهان بیش از پیش به سوی پذیرش اصل تنوع و تکثر قومی و فرهنگی پیش می‌رود. (سینایی و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۴: ۱۳۴) به دیگر سخن، جهانی شدن ضمن ایجاد فرهنگ جهانی، شرایط امکان ظهور و تداوم فرهنگ‌های قومی، محلی، ملی، دینی و ... و هویت‌های متکثر را فراهم آورده است.

هویت‌های قومی- فرقه‌ای چون دارای اصالت هستند، از بین نخواهند رفت، اما به دلیل ایجاد پارادایم‌ها و نیازهای جدید در عرصه جهانی، هویت جدیدی بنا به ضرورت شکل خواهد گرفت که ویژگی‌ها و پارادایم‌های جدیدی را به همراه خود می‌آورد. (عیوضی، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

به هر جهت ایران هم از این قاعده مستثنی نبوده و جهانی شدن موجب تغییر در جامعه ایرانی گردیده است. که مهمترین آنها تغییر نگاه و هویت چند بعدی و انسان مدرن است. ایران کشوری چند قومی است. دوام و استمرار هویت ایرانی در طول زمان، مدیون گروه‌های قومی مختلف بوده است. تنوع قومی و فرهنگی ایران اگر به صورتی صحیح مدیریت شود، می‌تواند در شرایط کنونی جهان، عاملی در جهت انسجام و همگرایی ملی و فرهنگی و پیشرفت و توسعه پایدار کشور باشد. لزوم توجه به واقعیت تکثر و تنوع قومی و فرهنگی در

ایران، به ویژه در عصر جهانی شدن که امکان و شرایط تعامل و ارتباط گروه‌های قومی با یکدیگر از طریق شبکه‌های مجازی و ارتباطی نوین به آسانی فراهم شده بیش از گذشته ضرورت دارد و در صورتی که از رویکردی کارآمد و مناسب در مدیریت این تأثیرها بهره‌گیری نشود، انسجام ملی و فرهنگی کشور به مخاطره می‌افتد و شاهد تنش‌ها و تعارضات و بروز چالش‌های جدی برای کشور خواهیم بود.

لذا با توجه به وضع کنونی و بیانات مقم معظم رهبری، الگوی تکثرگرایی بر پایه هویت ایرانی - اسلامی به عنوان مدلی کارآمد و مناسب که هم ظرفیت و توانایی یک سو کردن مولفه‌های اساسی تشکیل جامعه مدنی و دستیابی به توسعه پایدار و متوازن را دارد، هم اصالت این الگو در چارچوب نظریه‌های جهانی شدن مفروض است، برای پاسخگویی به مسائل قومیت‌ها ارائه شد و راهکارهای آن بیان گردید. مقام معظم رهبری نگاهی فرصت محور و فارغ از تبعیض بر پایه تعالیم انسانی دین اسلام به اقوام مختلف دارند. لذا اتخاذ رویکردهای فرصت محور اجتماعی و فرهنگی درباره مسائل مرتبط با قومیت‌ها بسیار راهگشا و اثربخش خواهد بود. سیاست گذاری‌ها، خط مشی‌های اصولی و واقع گرایانه و هماهنگ با تکثر و تنوع قومی در ایران می‌تواند فرصت سازی‌های مناسبی را در جهت پیشرفت و توسعه فراگیر و همه جانبه کشور فراهم نماید که در نتیجه شاهد پرورش و رشد روزافزون فرهنگ عام ایرانی که مجموعه ای از خرده فرهنگ‌ها است خواهیم بود. با چنین تنوع فرهنگی و قومی، غنای فرهنگ کشور را سبب شد و آسایش خاطر گروه‌های قومی را فراهم نمود و از سوی دیگر جایگاه حقیقی ایران در نظام جهانی را نه تنها تثبیت، بلکه ارتقا بخشید و منافع ملی دولت ایران را تضمین نمود.

منابع فارسی

کتاب

- آل احمد، جلال (۱۳۷۵)، در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۹)، ایران چه حرفی برای گفتن دارد، تهران: انتشار
- افشار، ایرج (۱۳۷۲)، زبان فارسی در آذربایجان، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۰)، فرهنگ شناسی؛ گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: نشر پیام امروز
- رابرتسون، رولند (۱۳۸۰)، جهانی شدن؛ تئورهای اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه: کمال پولادی، تهران: نشر ثالث
- (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه، ترجمه: حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، پدیده جهانی شدن، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر آگاه
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: نشر کیهان
- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- کلهر، رضا (۱۳۸۸)، درآمدی بر امنیت انتظامی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵)، مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران: تمدن ایرانی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: نشر دیدار
- گر، تد. رابرت (۱۳۷۷)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه: علی مرشدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

- آقاجانی، علی (۱۳۸۹)، جهانی شدن، تکثر فرهنگی و دیدگاه اسلام، فصلنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۵۰
- احمدلو، حبیب (پاییز ۱۳۸۱)، رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۳
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷)، سیاست‌های ملی و توسعه نابرابر مناطق در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۶ - ۶۵
- شفيعی، جهان (۱۳۸۲)، جنبش‌های اجتماعی در ایران؛ زمینه‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۲۱
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۰)، جهانی شدن و هویت‌های قومی، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۰
- غریباق زندی، داوود (۱۳۸۲)، احزاب و قوم‌گرایی، فصلنامه راهبرد، سال هشتم، شماره ۲۹
- غلامرضا لطیفی و طاهره داوودندی (پاییز ۱۳۸۹)، تاثیر جهانی شدن بر توسعه اجتماعی با تاکید بر شرایط اجتماعی ایران، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره اول، شماره ۳
- کریم مهری، بهجت یزدخواستی و محمدحسین پناهی (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، سیاست گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، شماره دهم
- محمدرضا پورقوشچی و محمود نادری (۱۳۹۳)، جهانی شدن و تکثرگرایی قومی در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال پنجم، شماره ۱۴
- مفرد، امیرعباس (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر و تأثیرگذار در هم‌گرایی قومیت‌ها با تأکید بر ساختار امنیت کشور ایران، همایش شهرهای مرزی و امنیت، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۸)، نظریه استعمار داخلی و توسعه ناموزون در تحلیل منازعات قومی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰
- وحید سینیایی و غلامرضا ابراهیم آبادی، کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی

شدن و تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵
- نونزاد، مسعود(۱۳۷۷)، راهی به سوی توسعه پایدار، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی،
سال دوازدهم، شماره ۱۱-۱۲

خبرگزاری

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم استان کردستان؛ ۱۳۶۸/۰۴/۲۵، قابل دسترس
در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر؛
۱۳۷۵/۱۱/۲۱، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رؤسای سه قوه، کارگزاران نظام و شخصیت‌های خارجی
شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ ۱۳۷۵/۵/۱۳، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت
سیستان و بلوچستان؛ ۱۳۷۰/۰۸/۲۷، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۴/۱۹، قابل
دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها؛ ۱۳۷۹/۱۱/۲۵، قابل
دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی؛
۱۳۸۳/۰۳/۰۷، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۲،
قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان استان فارس؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج؛ ۱۳۸۸/۲/۲۲، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز؛ ۱۳۸۸/۲/۲۹، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۷، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

- بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه ی درس خارج فقه درباره ی تقلید لهجه قومیت‌ها؛ ۱۳۸۹/۱/۳۱، قابل دسترس در سایت:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/148859>

Ressources

Book

- Baghrmian, M and A.Ingram (2000). **Pluralism: the Philosophy and Politics of Diversity**".London: Routlege

- Weber, Max(1996).**The Origin of Ethnic Group Ethnicity**, Edited by John Hachinson and Anthony D. Smith, Oxford: Oxford University Press

Article

- Mellucci, A and L. Avritzer (2000).**Complexity, Cultural PLuralism and Democracy**. Social Science Information , Vol. 39. no.4.

- Elkins, Davidj(1997).**Globalization Telecommunication and Virtual Ethnic communities**. International Political Science review. Vol.18.no.18.